

شرق روزنامه

تأملی بر چگونگی جنگ جهانی

در خاورمیانه امروزی سومین جنگ جهانی به شیوه‌ای نامتقارن در حال وقوع است. دینامیک جنگ سبب از میان‌رفتن صلح و پیچیده‌ترشدن تعارضات جهانی شده است. در واقع ریشه همه این تنش‌ها و تعارضات را می‌توان در دشمنی دو جبهه مدرنیسم و تروریسم جهادی تعریف کرد. در حقیقت این دو جبهه هستند که در عرصه نظم نوین جهانی با یکدیگر در حال جنگ و نزاع هستند.

در مسئله ذکرشده بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درگیر این نزاع و کشمکش می‌شوند که هر کدام از این بازیگران براساس منفعت و سود خود ایفای نقش می‌کنند. در افغانستان، تروریسم جهادی از طرف مدرنیته کاپیتالیسم علیه روسیه به کار گرفته شد، ولی درنهایت از کنترل خارج شد و در پاکستان، خاورمیانه و بسیاری از نقاط جهان ریشه دوانید.

درخورد توجه است ۱۵ سال قبل در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی حملات تروریستی به ایالات متحده آمریکا از سوی همین گروه‌های تروریستی صورت گرفت. به‌همین‌دلیل است که دولت آمریکا حق جنگیدن با این گروه‌ها را برای خود مشعر می‌داند و با آنها در حال جنگ است. تروریسم جهادی در آسیا و خاورمیانه به‌مثابه بمبی ضامن‌کشیده می‌ماند که امنیت روسیه را نیز تهدید می‌کند. دولت روسیه با تکیه بر این مؤلفه، مدت‌هاست با گروه‌های جهادی وارد جنگ شده است.

درحال‌حاضر، تروریسم جهانی به استعمار منطقه روی آورده‌اند و بسیاری از مناطق خاک کردستان در تصرف آنها بوده و با تهدید کردها به قتل‌عام، با آنها در حال جنگی نابرابر هستند.

ترکیه، عربستان سعودی و قطر پنهانی و گاهی آشکارا از تروریست‌های جهادی حمایت می‌کنند. دولت ترکیه در این مقوله از هم‌قطاران خود پیشی گرفته است و میان آمریکا و روسیه از اتخاذ سیاستی دوگانه بهره می‌برد. به طوری‌که، به دولت روسیه این‌گونه القا می‌کند که آمریکا و کردها قصد فتح و تصرف خاک سوریه را دارند. «اگر شما راه را برای ما باز بگذارید ما از جرابلس تا اعزاز پیشروی روسیه و حکومت بشار اسد را در حلب زمین‌گیر کنند، و اگر ترکیه خواسته‌شود با داعش وارد جنگ شود، این کشور آمادگی خود را اعلام می‌کند، درمقابل آمریکا باید از پیشروی کردها در کردستان سوریه جلوگیری کند.»



جنگ‌های بزرگ با اختلافات کوچک شکل می‌گیرند، همان‌گونه که انفجارهای مهیب با جرقه‌ای ناچیز رخ می‌دهند. در گذشته درگیری‌های کوچک و پراکنده‌ای که اتفاق می‌افتاد سبب به‌وجودآمدن ناهنجاری‌های اجتماعی و رواج‌دادن جنگ در نظام بین‌الملل شده است. این آسیب‌های روانی در جامعه رفته‌رفته تبدیل به یک کرونیسم ملی و بین‌المللی شده است. امروزه همه دنیا به سمت‌وسوی این کرونیسم بین‌المللی سوق داده می‌شوند. بر این اساس، پایه و اساس همه این‌ تعارضات را می‌توان در پارامترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دید که راحل‌ قانونی برای حل این‌گونه مشکلات راحل‌های سیاسی و دیپلماتیک است. حال سؤال این است‌که: این‌ پارامترهای تکان‌دهنده روی کدام‌یک از ستون‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جا گرفته‌اند؟ پاسخ روشن است: دینامیک میلیتاریسم! کرونیسم ملی، کشورها را یک‌به‌یک به سوی میلیتاریسم سوق می‌دهد. دولت‌هایی که ادوات پیشرفته نظامی همچون: نفریر زرهی، سلاح‌های اتوماتیک پیشرفته، تانک، هلیکوپتر و جت‌های جنگی در اختیار دارند، کسانی که تکنولوژی و فناوری روز در جهت اهداف نظامی به خدمت می‌گیرند و اقتصاد را میلیتاریزه می‌کنند؛ زمانی که در عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مانور داندند و به دنبال فروش تسلیحات انباشته شده در انبارهای خود باشند، آن وقت است که باید منتظر وقوع یک جنگ در منطقه بود. همچنین اگر حاکمان و سیاست‌مداران با نظامیان رابطه تنگاتنگی داشته باشند در اینکه در آینده خود را در میان یک جنگ تمام‌عیار خواهیم دید، نباید هیچ شکی داشته باشیم.

دولت ترکیه نزدیک به پنج سال است با وجود رکود اقتصادی؛ با نفت بادآورده داعش و القاعده، با دلارهای نفتی عربستان و قطر، با تجارتی نامتعارف و با پول شویی، پیشرفتی چشمگیر داشته است. ثروتی که با کمترین زحمت و دردسر، هوش از سر جگرطلبن می‌برد. برهمین‌اساس است که حزب اعتدال و توسعه در روزاوا (کردستان سوریه) الباب را هدف گرفته و در باشور (کردستان عراق) نیز دولت این کشور را تهدید می‌کند.

حزب عدالت و توسعه ترکیه مانند بخشی جدانشدنی از بدنه اخوان المسلمین عمل می‌کند که در خاورمیانه تهدیدی برای مردم منطقه محسوب می‌شود. آمریکا و روسیه با روی‌کارآوردن حزب عدالت و توسعه و سکوت در مقابل سیاست‌های نامعقول ترکیه، اشتباهی استراتژیک مرتکب شده‌اند. با این سیاست نه به خودشان، نه به ملت ترکیه و نه خاورمیانه به‌هیچ‌کدام از طرفین سودی نرساندند. راحل جنگ، ویرانی و استعمارکردن کشورها نیست، بلکه محکوم‌کردن جنگ و میلیتاریسم است.

منبع: اندیشکده روابط بین الملل

آماده‌برای جنگ با روسیه

وقت و بی‌وقت ائتلاف ناتو بر روایت‌های ساختگی خود درباره روسیه تاکید می‌کند، ینس استولنتیرک، دبیرکل ناتو، به‌تازگی در جریان سخنرانی خود در باواریای آلمان گفت: ما شاهد افزایش اقدامات خصمانه از سوی روسیه هستیم که مایل به استفاده از زور است. این در حالی است که ناتو به دنبال ایجاد یک «منطقه شینگن نظامی» در اروپاست. هانس هانسو، وزیر دفاع استونی، دراین‌باره می‌گوید: ما روی این مسئله کار می‌کنیم تا مطمئن شویم سربازان بتوانند فارغ از محدودیت‌های سیاسی بدون نیاز به روادید، از مرزها بگذرند.

این ایده برای نقل و انتقال آزادانه سربازان و تجهیزات ناتو در سراسر اروپا مطرح شده است که به واسطه آن دیگر نیازی برای صدور روادید برای نیروها نیست. این مسئله تضعیف تمامیت ارضی این کشورها را در پی دارد؛ اما در عوض روند عملیات برون‌مرزی را تسهیل می‌کند. کشورهای حوزه بالتیک و لهستان به‌ویژه در انجام این مسئله و مطرح‌شدن آن فعالانه رفتار می‌کنند. محدودیت‌های موجود نقل و انتقال و جابه‌جایی پنج هزار نیروی واکنش سریع ناتو را مانع می‌شود.

سربازان می‌توانند آزادانه در دوران جنگ نقل و انتقال داشته باشند؛ اما مطرح‌شدن منطقه شینگن نظامی از سوی ناتو الزاما بر تمرکز نیروها برای آمادگی تهاجم در مرزهای روسیه استوار است. ایجاد یک نیروی واکنش سریع ۲۰هزارنفره در ناتو در حال انجام است.

دراین‌حال، نظامیان آمریکا و نروژ درباره احتمال استقرار نیروهای آمریکایی در نروژ گفت‌وگو می‌کنند؛ کشوری که ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه دارد. استقرار نیروهای آمریکایی در این کشور اسکاندیناوی بخشی از برنامه‌های چرخشی نروژ عنوان شده است که مطابق تمایلات آمریکاست.

این پایگاه هوایی برای انجام برنامه مشترک نیروهای ویژه آمریکایی و نروژی استفاده می‌شود و به تفنگداران ویژه نیروی دریایی آمریکا اجازه داده می‌شود تا هزار دستگاه خودرو و دیگر قطعات و تجهیزات را که برای انجام عملیات است، در این مکان مستقر و انبار کنند. ائتلاف ناتو تلاش می‌کند تا تنش‌ها در اروپا را با تقویت نیروهایش از بین ببرد و برای این کار به یک دشمن خیالی نیاز دارد تا همه را متحد کند و بدون آنکه نظر زیادی به خود جلب کند، فعالانه در حال آمادگی نظامی در مرزهای روسیه است؛ اما نه برنامه‌های مربوط به ایجاد منطقه شینگن نظامی، نه استقرار نیروهای ویژه آمریکایی در نروژ و نه افزایش هزینه‌های نظامی آلمان، در رصد رسانه‌های غربی قرار ندارند.

اقدامات تحریک‌آمیز یکی پس از دیگری همراه با سروصدای بی‌نهایت ترس‌های غربی درباره «تهاجم‌های روسیه» صورت می‌گیرند.

آمادگی برای جنگ به‌شدت امنیت اروپا را کاهش می‌دهد و فرصت‌های احیای مذاکرات میان روسیه و ناتو را از بین می‌برد؛ مذاکراتی که روسیه مدت‌ها به دنبال آن بوده است. به جای آن ائتلاف ناتو نهایت تلاش خود را برای تحریک یک رقابت تسلیحاتی با نتایجی پیش‌بینی‌ناپذیر به کار گرفته است.

منبع: گلوبال ریسرچ



عبد

جدا از اینکه اردوغان دست‌ی در پشت پرده داشته باشد، باید گفت دعوت اردوغان از مردم برای حضور در خیابان، به‌سرعتی باورنکردنی پاسخ گفته شد. مردم در سراسر ترکیه حتی شهرهای کردنشین که اخیرا اختلافات عمیقی با دولت اردوغان داشتند، با حضور در خیابان، مانع وصول اهداف کودتاجپان شدند. شاید این حرکت به تعبیری دموکراسی خواهی عنوان شود، اما حضور مردم در خیابان‌ها، صرفا کفه ترازو را به‌نفع اردوغان سنگین کرد، او از امروز موازنه قدرت در کشور را به‌نفع خود برگردانده است. اردوغان در حقیقت این حضور مردمی را، رایی برای مشروعیت خویش خواهد شمرد، حتی اگر اردوغان نتواند به‌زودی به رؤیای تغییر قانون اساسی جامه عمل بپوشاند، می‌تواند به رای بالا در انتخاباتی زودهنگام امیدوار باشد تا بتواند از آن طریق اهداف خویش را پیگیری کند.

چرخش نرم در سیاست خارجی

در ماه‌های گذشته شاهد سه اتفاق مهم در رفتار اردوغان بوده‌ایم که در سیاست خارجی ترکیه بسیار اثرگذار بود؛ عذرخواهی رسمی ترکیه از روسیه که از سوی مسکو اعلام شد و آنکارا در قبال آن سکوت کرد. این یک رفتار پیش‌بینی‌ناپذیر از سوی رجب طیب اردوغان بود؛ مردی که روی اصولش بسیار پافشاری می‌کند و قیلا سابقه چرخش از مواضعش را نداشته است. دوم ارتباط با اسرائیل که از سال ۲۰۱۰ به‌خاطر حمله کماندوهای اسرائیلی به کشتی ترکیه‌ای، دچار تنش زیادی شد. این ارتباط که از سال ۱۹۴۹ با به‌رسیمت‌شناختن اسرائیل از سوی ترکیه به‌عنوان نخستین کشور مسلمان شروع شده و سطح بالایی نیز داشت، در چند هفته اخیر، با گفت‌وگوهای دوجانبه، به سطح قبلی بازگشت. این موضوع نیز، در کنار کاهش تنش با مسکو، از نقاط عطفی است که در کارنامه اردوغان به چشم می‌خورد.

هم‌زمان با این تغییر، ناگهان دولت ترکیه نسبت به سوریه تغییر موضع داد و این سه اتفاق مهم در طول کمتر از چند هفته، نته‌تها برای توجه اردوغان کافی بود، بلکه بسیاری از گمانه‌زنی‌ها را درباره اردوغان شدت داد. یک‌هتازگی اردوغان در ترکیه و اقتدارگرایی او، نگرانی‌هایی را از یک کودتا در جامعه ایجاد کرده بود. مخالفان، وی را متهم می‌کردند که با اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای، ترکیه در موضع ضعف قرار گرفته است، اما چرخش‌های ۱۸۰درجه‌ای دولت در منطقه، می‌تواند نشان‌دهنده این موضوع باشد که شاید اردوغان هم برای طرحی بزرگ آماده بود؛ طرحی که لازم بود تنش‌های دولت، در سیاست خارجی تا حد امکان کاهش یابد.

روزواقعه

همان‌طور که قیلا ذکر کردم، هر سیاست‌مداری ممکن است برای پیشبرد اهدافش از ابزارها و روش‌های مختلفی بهره‌گیری کند، برای یک حکومت اقتدارگرا، فضای ترور بسیار جذاب‌تر از مخالفت‌های مدنی و آرام است. دولت اقتدارگرا در فضای ترور می‌تواند به بهانه حفظ امنیت ملی، نهاد‌های مدنی و رسانه‌های مستقل را محدود کند و از سطح فعالیت مخالفان بکاهد. در بسیاری از تجربه‌ها، ممکن است خود دولت با چند حرکت تند، فضا را به‌نفع خودرو به خفقت کودتا آن‌قدر دماور و ابتدایی بود که بعد از او ساعت از بخش اعلامیه ارتش، می‌شد حدس زد که احتمالا با شکست روبه‌رو خواهد شد. اینکه اردوغان از کودتا اطلاع داشته یا نه، مشکلی را حل نخواهد کرد، اما اینکه در این تعارض، این طرف برنده (احتمالا اردوغان) خواهد بود که می‌تواند به بهانه کودتا (یا جلوگیری از آن)، فضا را امنیتی و مخالفان را سرکوب کند، در آینده دموکراسی‌خواهی در ترکیه اثر مثبتی نخواهد داشت.

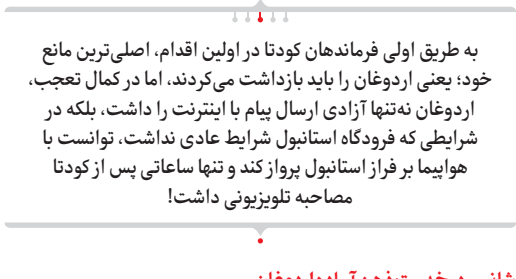
به‌هرحال، اقدامات طرف برنده (یعنی دولت ترکیه و در رأس آن اردوغان)، نشان داده است که ماجرا فقط صرفا به بازداشت کودتاجپان و محاکمه عادلانه در یک فرایند قانونی ختم نخواهد شد. در سناریوی پیش‌روی دولت، اردوغان با به‌دست‌آوردن یک وجهه ملی دست به تغییر قانون اساسی خواهد زد و ضمن افزایش قدرت رئیس‌جمهور، سعی در ایجاد نوعی تداوم قدرت خواهد داشت، مدل پوتین– مدودف یکی از راحل‌هاست، به شرط آنکه اردوغان بتواند کسی را ماندن نخست‌وزیر فعلی روسیه برای خود بیابد، وچه دیگر این سناریو احتمالا سرکوب سکولارها و گرُدهاست، چه آنها مزاحمت‌های فراوانی را برای دولت در سال‌های اخیر ایجاد کرده‌اند و دیگر ترمیم رابطه با کشورهای همسایه، دولت‌هایی که از سر حمایت از دولت منتخب ترکیه، کودتا را محکوم کردند، فعلا در وضعیت دوستی قرار داشته و می‌توانند این دوستی را افزایش دهند. حتی ایران و عربستان هم که در تعارض با یکدیگر قرار دارند، در دوستی با کشور مهمی مانند ترکیه ثابت‌قدم هستند. البته برای عربستان (با توجه به واکنش‌های مختلف بعد از کودتا)، احتمال تضاد ایدئولوژیک با ترکیه بالاست، خصوصا اینکه نبرد علیه داعش تبدیل به یک ائتلاف عمومی در کشورهای منطقه شده و این به سود عربستان نیست، باید دید ترکیه در روزهای آینده دست به چه تغییراتی در سطح دولت و ارتش و قوه قضا خواهد زد. اگر اتفاقاتی مثل کودتای بیست‌وپنجم – بیست‌وهشتم مراد به وقوع نپیوندد و دولت اردوغان با تحرکات ارتش‌پسند که همچنان پافشاری بر حمله می‌کند، می‌تواند خود را برای اقتداری بزرگ آماده کند.

طبقات بالاتر اجتماعی قرار داشتند، از او رویگردان کرد. شهروندانی که عموما در شهرهای غربی و توریستی کشور زندگی می‌کنند و پذیرای گردشگرانی هستند که در طول سال به ترکیه سفر می‌کنند، بیشتر به‌دنبال حقوق شهروندی و آزادی‌های اجتماعی بودند؛ چیزی که خیلی به مذاق اردوغان خوش نمی‌آمد، اعتراضات پارک گزی و سرکوب معترضان، در کشوری که مدعی آزادی و دموکراسی است و در پی آن فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، محبوبیت اردوغان را به‌شدت کاهش داد. نگاهی به سه انتخابات قبلی نشان می‌دهد به‌جز مناطق گردنشین که به طور سنتی نماینده‌های خود را دارند، در استان‌های غربی کشور آرای مردم با احزاب سکولار و ملی بیشتر همراهی می‌کند. اردوغان در سال‌های پس از ۲۰۱۰ عموما در لباس مصلحانی ظاهر شد که با ایجاد دوگانه آزادی– اقتصاد پررونق، سعی در محدودیت آزادی‌ها به‌نفع اقتصاد قدرتمند دارد.

تنش در منطقه، سقوط اقتصادی ترکیه

بعد از شدت‌گرفتن بحران داخلی در سوریه، ترکیه موضعی مشابه عربستان در برابر سوریه اتخاذ کرد. اصرار بر رفتن بشار اسد حتی پس از ظهور گروه‌های تکفیری و همراهی با آنها که اوج آن خرید نفت از داعش و ترانسفر تروریست از پایگاه استانبول بود، انتقادات زیادی را برانگیخت. این اقدامات و همکاری با داعش بیشتر باعث آسیب‌پذیرشدن ترکیه در برابر تروریسم شد. به علاوه در اقدامی که هرگز مسودر حمایت ناتو قرار نگرفت، با سرنگون‌کردن هواپیمای روسی به بهانه نقض حریم هوایی ترکیه، بهانه‌ای دست «ولادیمیر پوتین» داد که ترکیه را به صورت یک‌جانبه تحریم کرده و ضررهای سنگینی بابت صادرات انرژی و حضور گردشگران روسی، به ترکیه وارد آورد.

عجیب نبود که بعد از انفجارهای تروریستی در شهرهای مهم ترکیه، درگیری بی‌فایده با عراق و سوریه در منطقه، تنش سنگین با روسیه و سرکوب آزادی‌های اجتماعی در داخل، زنگ خطر برای اردوغان به صدا دربیاید. این زنگ خطر در انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ به صدا درآمد؛ زمانی که حزب متبوع اردوغان نتوانست به ۲۷۶ کرسی لازم برای تشکیل دولت دست یابد و به‌جزمت نتوانست دولت تشکیل بدهد. از سال ۲۰۱۱ که حزب اردوغان ۳۲۶ کرسی را در مجلس بااقتدار به دست آورده بود تا سال ۲۰۱۵ که تعداد کرسی‌هایش به ۲۵۸ کرسی رسید، زمان زیادی طی نشده بود، در این مدت حتی اردوغان رئیس‌جمهور نیز شده بود، اما عملکرد انتقادآمیز اردوغان باعث شد حزب او نتواند دولت مقتدری تشکیل دهد. انتخابات مجدد در اول نوامبر بالاخره حزب او را با ۳۱۱ کرسی به تشکیل دولت رساند، احمد داووداوغلو، همراه نزدیک سال‌های قبل نخست‌وزیر شد، اما اردوغان دیگر تحمل موضعی برابر را نداشت. داووداوغلو که تصور می‌کرد اردوغان به‌عنوان رئیس‌جمهوری، فاصله یکسانی را با تمام احزاب خواهد داشت، ناگهان خود را در یک کودتای درون حزبی یافت، پس در اولین فرصت داووداوغلو هم استعفا کرد و بی‌عالی ییلدریم، که از افراد نزدیک به اردوغان بود، ناگهان به نخست‌وزیری ترکیه رسید تا اردوغان عملا اکثر حامیان خویش را از دست بدهد. علاوه‌براین فشارهای منطقه‌ای و افت ورود گردشگر به دلیل نامنسی، از همه طرف اردوغان را در فشار قرار داده بود. نباید فراموش کرد او در بزرگ‌ترین رؤیای سیاسی خویش که تغییر قانون اساسی بود، به دلیل نداشتن یک اکثریت مطلق همچنان شکست خورده بود.



شأنس در خدمت ذهن آماده اردوغان
حتی اگر قائل باشیم که اردوغان خود ترتیب ایجاد این کودتا را داده است، نباید از نظر دور داشت که او به‌خوبی توانست تهدیدی جدی علیه خود را به فرصت تبدیل کند. البته نباید از نظر دور داشت کودتا در تعریف خود یک فعالیت سریع و خسونت‌آمیز است. کودتاجپان اعضای دولت را حبس و عزل می‌کنند، این گروه به‌سرعت تمامی مراکز فرماندهی، تصمیم‌گیری، رادیو تلویزیون و نقاط شناس شهر اصلی را در اختیار گرفته و عملیات خود را در کمترین زمان به پایان می‌برند. طولانی‌شدن زمان به دلیل احتمال ایجاد اختلاف در بین کودتاجپان و حرکت‌های مردمی، به ضرر آنها و به نفع دولت قبلی است.

به طریق اولی فرماندهان کودتا در اولین اقدام، اصلی‌ترین مانع خود؛ یعنی اردوغان را باید بازداشت می‌کردند، اما در کمال تعجب، اردوغان نته‌تها آزادی ارسال پیام با اینترنت را داشت، بلکه در شرایطی که فرودگاه استانبول شرایط عادی نداشت، توانست با هواپیما بر فراز استانبول پرواز کند و تنها ساعاتی پس از کودتا، مصاحبه تلویزیونی داشت؛ البته می‌توان همه اینها را اتفاقی در توجیه بی‌تجربگی افسران کودتاجی دانست، اما از سال ۱۹۱۳ تا به امروز این پنجمین کودتای واقع‌شده در ترکیه است و این نشان می‌دهد ارتش بیش از ۷۰۰ هزارنفری ترکیه، حداقل در شکل‌دهی کودتا، بیش از اینها باید دارای تجربه باشد.

موسی حسن‌وند: پیگیری تحولات ترکیه مشخص کرد پنجمین کودتای ارتش ترکیه، سری به سلامت نخواهد داشت. بعد از پیام اینترنتی رئیس‌جمهور ترکیه، مردم در اقدامی پیش‌بینی‌ناپذیر به خیابان ریختند و کودتاجپان را مجبور به عقب‌نشینی کردند. دولت ترکیه به هر شکلی سعی در تشویق مردم برای حضور در صحنه داشت، حتی با ارسال پیامک سعی بر این می‌کرد این هیجان را بالا نگاه دارد. از طرفی دیگر با گذشت ساعاتی از کودتا و به‌نتیجه‌نرسیدن آن، کم‌کم دولتمردان ترکیه و حتی بخشی از ارتش از این اقدام اعلام برانث کردند. حتی فتح‌الله گولن، رهبر اپوزیسیون دولت ترکیه که سردمدار مخالفت با دولت اردوغان است، در بیانیه‌ای اینن کودتا را محکوم کرد. درنهایت تا این لحظه مشخص نشده است که عامل اصلی کودتا، در حقیقت رهبری سیاسی کودتا، در اختیار کیست؟

۵کلوله برای شاه

شاید باور اینکه در این کودتا خود اردوغان دست داشته و در حقیقت خود، کودتاجی بوده است، سخت باشد، اما باید گفت این شکل از قبضه‌کردن قدرت اصلا عجیب نیست و حتی مسبوق به سابقه است. پیش از این، در کشورهای مختلف چنین اتفاقاتی افتاده است و دیدن آثار آن خیلی سخت نیست. یکی از معروف‌ترین این نوع تحرکات، اقدام برای ترور شاه بود که محمدرضا پهلوی بیشترین استفاده را از آن برد و با تغییرات درخورتوجه در ساختار حکومتی به اهداف خویش دست یافت. شایعاتی به وزارت امور خارجه آمریکا رسید که شاه به دنبال فرصتی برای اصلاح قانون اساسی مشروطه و بالابردن قدرت خود در مقابل مجلس است. تنها یک ماه بعد در ۱۵ بهمن با ترور نافرجام شاه در دانشگاه تهران این فرصت به دست وی افتاد. فقط دو گلوله از شش گلوله ضارب، ناصر فخرآرایی، به شاه برخورد کرد؛ ولی باعث آسیب جدی شاه نشد. چند لحظه بعد، ضارب بدون هیچ فرصتی در محل ترور گشته شد و انگیزه‌های او از آن کار در پرده‌ای از ابهام باقی ماند.

کارت خبرنگاری که در جیش یافت شد، او را خبرنگار روزنامه پرچم اسلام معرفی می‌کرد، از طرفی حزب توده گردهمایی برای سالگرد کشته‌شدن تقی ارانی، پدرفکری حزب، را یک روز عقب انداخته بود تا در روز ترور شاه در محل حادثه باشد و در نهایت حاج علی رزم‌آرا، رئیس ستاد ارتش که دو سال بعد از آن نخست‌وزیر و بعد ترور شد، در روز ۱۵ بهمن در محل حادثه حضور نداشت. همه اینها بهانه‌هایی به دست شاه داد که به سرکوبی آزادی‌های مدنی بپردازد. شاه به این بهانه، همه مخالفان مذهبی و چپ‌گرای خود را سرکوب کرد، حزب توده غیرقانونی اعلام و آیت‌الله کاشانی رهبر سیاسی مذهبی آن روز ایران به لبنان تبعید شد. به گفته رواند آبراهامیان، شاه به بهانه این ترور، یک «کودتای سلطنتی» به راه انداخت. این ترور «موهبتی در لباس مبدل برای شاه» بود. سپس در شرایطی که حکومت نظامی اعلام شده بود، انتخابات مجلس مؤسسان برگزار شد. این مجلس علاوه بر افزایش اختیارات شاه، تشکیل مجلس سنایی را تصویب کرد که نیمی از سناتورهای آن از سوی شاه منصوب می‌شدند.

هنوز هم بعد از گذشت ۶۸ سال از این واقعه، هیچ‌کس به‌درستی نمی‌داند عامل اصلی این ترور چه فرد یا گروهی بود. عده‌ای شاه را محکوم می‌کنند و عده‌ای دیگر حزب توده را عامل این واقعه می‌دانند.

ولی هیچ‌کس نمی‌تواند پیامدهای این واقعه را که شاه چگونه برنده این بازی شد، تکذیب کند. حتی اگر قائل باشیم که به طور عقلی، شاه به ترور خود دست نمی‌زد، باید بپذیریم که بیشترین موفقیت را شاه در پس این ماجرا به دست آورد. او که تا پیش از این ترور، صاحب یک صندلی لرزان بود، پس از ترور توانست پایه‌های قدرت خود را محکم کند.

پایان ماه‌عسل اردوغان

شروع حرکت اردوغان با سروصدای زیادی همراه بود، یک سیاست‌مدار اسلام‌گرا که به آزادی‌های اجتماعی احترام می‌گذاشت، مدل بسیار مناسبی را برای الگوگیری از کشور اسلامی به نمایش گذاشته بود. پیروزی‌های اقتصادی تیم اردوغان و تحول بزرگ اقتصادی در ترکیه در قرن جدید، توجیه به زیرساخت‌های گردشگری و تراز تجاری مناسب، به‌سرعت مشکلات اقتصادی را که سال‌ها ترکیه را درگیر کرده بود، حل کرد.

اما پس از گذشت چند سال بالاخره ماه عسل اردوغان با حامیان‌ش هم تمام شد. بازداشت‌های بی‌دربی افسران ارشد ارتش به بهانه جلوگیری از کودتا، باعث شد ارتش تا حد زیادی در سال‌های اخیر منفعل عمل کند. علاوه بر این، عملکرد اردوغان در بازسازی امپراتوری عثمانی انتقادهای زیادی را برانگیخت. تغییر روند رفتاری اردوغان، بعد از تحولات سوریه شدت بیشتری گرفت، زمانی که دولت سوریه بعد از ورود گروه‌های تروریستی به دلیل هم‌مرزبودن با ترکیه، ضربات زیادی را از مماشات ترکیه با تروریست‌ها دریافت کرد. استانبول بهشت تروریسم شده بود و این، تینر داغ بسیاری از خبرگزاری‌ها و سایت‌های جهان بود. اما هرچه بود، حزب اردوغان به رهبری او توانسته بود ۱۴ سال آزای اکثریت مردم را در ترکیه به دست آورد و همچنان در انتخابات دست بالا را داشتند. مدرنیزاسیون سریع اقتصادی ترکیه در این سال‌ها قطعا در این اقبال عمومی بی‌تاثیر نبوده است. نگاهی به آمارهای اقتصادی ترکیه نشان می‌دهد تمامی شاخص‌های مثبت اقتصادی بعد از قدرت‌گرفتن حزب عدالت و توسعه به‌سرعت بالا رفته و به طور کلی وضعیت زندگی در ترکیه، بهتر شده است. این موضوع برای اکثریت جمعیت ترکیه خصوصا در استان‌های مرکزی که سطح بالاتر کیفیت زندگی را مانند استانبول تجربه نمی‌کنند، شاخص مناسبی است. اما اقتدارگرایی اردوغان از سال ۲۰۱۰ به بعد، بسیاری از مردمی را که در